

1-Neither of honest civility nor skilful poetry.

1. نه از روی شهری بودن واقعی است و نه از روی مهارت شاعری
2. نه از روی شهری بودن است و نه از روی شاعر بودن
3. نه از روی تمدن صادقانه بوده و نه از روی شعر ماهرانه
4. هم بر اساس شعور واقعی و هم بر اساس مهارت در ادبیات

2-This needs no further to be enlarged.

1. لازم نیست که به شرح جزئیات بپردازیم
2. دیگر جسد نیازی به کالبد شکافی و تشریح ندارد
3. دیگر نیازی به بزرگ نمایی نیست
4. دیگر نیازی به شرح و تفصیل نیست

3-But thrust in the clown by head and shoulders to play a part in majestical matters , with neither decency nor discretion;

1. نه با شایستگی و نه با درایت
2. نه با شکوه و نه تحسین بر انگیز
3. نه از روی نجابت و نه از روی بصیرت
4. نه با بردباری و نه با تعجیل

4-So as neither the admiration and commiseration.

1. نه از روی حیرت و نه از روی دقت
2. نه با تحسین و نه با ترجم
3. نه از روی تحسین و نه از روی تحقیر
4. نه با شکوه و عالی و نه پست و حقیر

5-To show himself courteous unto her at her arrival

1. با ورود او خودش را نسبت به او متواضع و رام نشان داد
2. خودش را در همان لحظه‌ی ورودش وفادار نشان داد
3. برای مهربان نشان دادن خودش به او در لحظه‌ی ورود او
4. خودش را با ورودش صادق و درستکار نشان داد

6-Now her beauty (as it is reported) was not so passing, as unmatchable of other women

1. حالا از زیباییش آنقدر نمی گذشت، بی همتا نسبت به زنان دیگر
2. حال زیباییش آنقدر هم سطحی و گذرا نبود، قابل قیاس با زنان دیگر هم نبود
3. همانطور که گزارش شده، در حال حاضر زیباییش چشمگیر نیست، به همان ناجوری زنان دیگر
4. همانطور که گزارش می شود، زیباییش آنقدر سطحی هم نبود، غیر قابل پیش بینی با دیگر زنان

7-and almost murdered by disdain.

1. و تقریباً از شکنجه کشته شدند
2. و همینطور با ضرب و شتم به قتل رسیدند
3. و تقریباً نابود شده از اهانت و تحقیر
4. و همچنین از خیانت کشته شدند

8-For natural abilities are like natural plants,that need pruning by study.

1. که با مطالعه لازم است جدا شوند
2. که لازم به مراقبت برای رشد و شکوفایی
3. که نیز دارند با توجه شکوفا شوند
4. که باید با دقیق هرس شوند

9-A man that is young in years may be old in hours if he has lost no time. It means that.....

1. تمام عمرش را هدر داده است
2. از زمان به خوبی استفاده کرده است
3. تمام عمرش باید حسرت بخورد
4. از نظر سنی جوان است ولی ظاهراً پیر به نظر می رسد

10-and his hand shall bind up all our scattered leaves again for that library where every book shall lie open to one another.

1. و فرمان او دوباره تمام برگهای از هم گسسته را برای آن کتابخانه گرد آوری خواهد کرد
2. وقدرت او دوباره تمام برگهای پراکنده‌ی ما را، برای آن کتابخانه پیوند می دهد....
3. و دست او همه‌ی برگهای پاره پاره را برای آن مجموعه متصل می کند
4. و او همه برگهای از هم گسیخته را گرد هم خواهد آورد

11-his treasure will not defray him as he travels.

1. انوخته اش خرج او را در هنگام سفر تأمین نمی کند
2. در هنگام سفر گنجش را با خود می برد
3. گنجش را در هنگام سفر با خود نمی برد
4. جواهراتش در هنگام سفر کافی نیست

12-And made fit for God by that affliction.

1. و بوسیله‌ی آن فرمان برای خدا آن را مهیا ساخت
2. و خود را آماده کرد برای خدا با آن عبادت
3. و خود را برای آن رسالت رسیدن به خدا مهیا می سازد
4. و با آن رنج و سختی است که شایستگی رسیدن به پروردگار را می یابد

13-He counterfeits a smiling welcome

1. او با یک روی خوش دروغین پذیرایی می کند
2. او با لبخندی ملیح خوش آمد گویی می کند
3. با لبخندی ساختگی خوش آمد می گوید
4. او با یک لبخند مرموز پذیرای آنها می شود

14-We find three principal causes of quarrel. First, competition; second, diffidence; thirdly, glory.

سه علت اصلی در نزاع وجود دارد:

۱. اول رقیب، دوم دشمنی، سوم برد
۲. اول نزاع ، دوم تمایز سوم عظمت
۳. اول مسابقه دوم تفاوت و گوناگونی ؛ سوم شکوه
۴. اول، رقابت، دوم، عدم اعتماد به نفس؛ سوم، شکوه و جلال

15-Before he espied a foul fiend ...

۱. از قبل او دیو پلیدی را مشاهده کرد
۲. قبلًا او احمق پیری را مشاهده کرده بود
۳. او از پیش فرد کودنی را ملاقات کرد
۴. او از قبل یار بی وفایش را دیدار کرده بود

16-Prepare thyself to die, for I swear by my infernal den.

۱. زیرا من بوسیلهٔ روح اندرونم است که فرمان می‌برم
۲. چون به (کمینگاه) لانه شیطانی ام قسم می‌خورم
۳. برای اینکه من به آفریدگاریکتایم سوگند می‌خورم
۴. چون من به روح شیطانیم قسم می‌خورم

17-He has beautified the inside of his church with several texts of his own choosing.

۱. درون عمارتش را با متون مختلف انتخابی تزیین کرده است
۲. او درون صومعه اش را با متونی به انتخاب خودش مزین کرده است
۳. داخل کلیسا خود را با متون متنوع برگزیدهٔ خود آراسته است
۴. او درون کلیسا را با چندین متن منتخب زیبا کرده است

18-The day of execution, or consummation, or apotheosis.

۱. روز اعدام یا اتمام، یا رهایی از زندگی خاکی و عروج باسمانها
۲. روزبهٔ صلیب کشیدن، یا آزادی، یا به درجهٔ خدایی
۳. روز اجراءٰ یا مصرف گرایی، یا توهم بیمارگونه
۴. روزمرگ، اشباع شدن، یا سفسطه

19-This meeting was at first very tender on both sides.

۱. این ملاقات در ابتدا خیلی دو طرفه بود
۲. این جلسه در آغاز بسیار به دو سمت متمایل بود
۳. این جلسه در اولین مناقصه دو سویه بود
۴. این ملاقات اول حساس به دو طرف بود

20-They can neither indulge vanity nor gratify malignity.

۱. نه لذات شهواني را از خود دور می کنند و نه به دنبال اخلاقیات می روند
۲. نه بد ذاتی را رها می کنند و نه بد بینی شان را
۳. آنها (رقبا) نه می توانند غرور را ها کنند، و نه بدطینتی شان ارضامی شود
۴. آنها نمی توانند پوچی را دنبال کنند و نه بد بینی را ارضام کنند

21-to fill their mouth with hypocritical joy and outrageous sorrow.

۱. و دهانشان را با لذت زودگذر و خشم دائمی عطرآگین سازند
۲. سخنانشان مملواز شعف ریا کارانه و اندوه ظالمانه باشد
۳. و پر کنند دهانشان را با شادی دو جانبی و خشم یک جانبی
۴. و حرفهایشان یک مشت دروغ و دوری و اندوه آشکار

22-To make them meet in rapture, and part in agony;

۱. و باعث شوی که آنها در عصبانیت جدا شوند و در سختی ملاقات کنند
۲. و آنها را مجبور کنی تا در هنگام سختی و گرفتاری ملاقات کنند و در ناراحتی جدا شوند
۳. و آنها را وادر کنی تا همیگرادرشادی ببینند و در خشم از همیگر جدا شوند
۴. و سبب شوی که آنها در هنگام ناراحتی ببینند و شادیهایشان را با هم قسمت کنند

23-There is nothing magnanimous in bearing misfortunes with fortitude.

۱. بدینمی
۲. تحریر آمیز
۳. بزرگوار
۴. با شکوه

24-The crime and folly of the court of Ravenna was expiated a third time by the calamities of Rome.

۱. با جنایات رم شدت یافت
۲. با بدبختیهای رم از بین رفت
۳. بوسیله ی ظلمهای رم تشدید شد
۴. با سقوط (نابودی) رم پاک شد

25-and bat one of the outlets of the town, with a wooden leg.

۱. و پدیدار شد در جلوی در مغازه با پای آتل بندی شده
۲. و با یک پای مصنوعی در یکی از دکه های شهر ظاهر شد
۳. با عصای چوبی در ورودی یکی از فروشگاههای شهر گدایی میکرد را دیدم
۴. و با یک پای چوبی در یکی از مغازه های حراجی شهر فروشنده می کرد

سوالات تشریحی

- 26-But our comedians think there is no delight without laughter which is very wrong; for though laughter may come with delight.
The parson نمره ۱,۰۰
- 27-Some of them followed the barge all along the river's side: others also ran out of the city to see her coming in. نمره ۱,۰۰
- 28-Histories make men wise; poets , witty; the mathematics, subtle; natural philosophy, deep; moral, grave; logic and rhetoric, able to contend. نمره ۱,۰۰
- 29-Whence come you? And whither are you bound? نمره ۱,۰۰
- 30-The parson is always preaching at the squire, and the squire , to be revenged on the parson, never comes to church. نمره ۱,۰۰
- 31-Instead of showing any marks of dejection or contrition, he rather infused more confidence and assurance into his looks. نمره ۱,۰۰
- 32-In this manner I went from town to town , worked when I could get employment, and starved when I could get none. نمره ۱,۰۰